

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال نهم، شماره شانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶

جایگاه رجز در شعر دفاع مقدس (علمی- پژوهشی)

دکتر احمد امیری خراسانی^۱

عصمت اکرمی نیا^۲

چکیده

سرزمین ایران، همواره سرزمین حماسه، دلیری و شجاعت بوده است. حماسه‌های ملی - مذهبی فراوان در اعصار گذشته و حال در خصوص تکریم قهرمانان ملی - مذهبی به نظم درآمده و پهلوانی‌ها، رشادت‌ها، آرمان‌ها و خواست‌های ایرانیان را توصیف کرده‌اند.

ادبیات پایداری (که شعر دفاع مقدس، گونه‌ای از آن است) شاخه‌ای از درخت تنومند ادبیات حماسی است که در هر روزگاری به شیوه خاصی نمود می‌یابد. اگرچه بین سروده‌ها با درون‌مایه و مضمون مقاومت و پایداری در دوران دفاع مقدس و پس از جنگ، با مضمون ادب حماسی کلاسیک، تفاوت‌هایی است، وجه اشتراک همه آنها ظلم‌ستیزی، مبارزه با استبداد داخلی، بیگانه‌ستیزی، عدالت‌خواهی و دعوت به استقامت در برابر دشمن است.

اغلب سروده‌های آغازین جنگ و سال‌های دفاع مقدس به قصد تهییج و ترغیب به نبرد و مقاومت و پایداری سروده شده‌اند؛ بنابراین مضمونی، رجزگونه دارند.

این مقاله، ضمن اشاره به کاربرد رجز در اشعار حماسی ادوار مختلف شعر فارسی، مقاصد و کارکردهای آن در اشعار دفاع مقدس را بررسی کرده است. برای نیل بدین مقصود، ابتدا رجز در اشعار دفاع مقدس استخراج گردیده، پس از آن مقاصد و کارکردهای رجز در این اشعار تحلیل شده است.

واژه‌های کلیدی: حماسه، رجز، شعر دفاع مقدس

^۱ . استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

^۲ . کارشناس ارشد ادبیات مقاومت (نویسنده مسئول) behroz.aflak@mihanmail.ir

۱- مقدمه

تاریخ ایران نشان می‌دهد که این سرزمین همواره به علت موقعیت سوق‌الجیشی در معرض تهاجم و طمع و تعرض بوده‌است؛ بنابراین، اقوام مختلف چون: ترکان و مغولان به آن هجوم آورده و مردم در مقابل دشمنان ایستاده‌اند و از سرزمین خویش دفاع کرده‌اند. این مقاومت به وسیله اندیشمندان، نویسندگان، شاعران و ... در طول تاریخ ثبت و ضبط شده‌است؛ بدین ترتیب، ادبیات پایداری شکل گرفته‌است که بخشی از فرهنگ و زندگینامه این ملت محسوب می‌شود.

«ادبیات پایداری به مفهوم واقعی و نوین آن در کشور ما از عصر مشروطه و جنگ جهانی اول، متأثر از گرایش‌های ملی و میهنی به وجود آمد. در شعر این دوران، موضوع پایداری در برابر ظلم و بیداد، ناآگاهی و استبداد، آلودگی صاحب‌منصبان و طمع همسایگان، بسیار دیده می‌شود.» (آرین‌پور، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۲۷)

شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران به صورت مشخص از سال ۱۳۴۲ به رهبری حضرت امام (ره) به صورت علمی و عملی که توأم با فراز و نشیب بسیار بود و در نهایت به پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷ منجر شد، باعث ایجاد فرهنگ و ادبیات جدید در کشور گردید که درون‌مایه آن متأثر از تاریخ و وقایع مذهبی، به‌ویژه عاشورای حسینی بود. هنوز انقلاب نوپای ما، اظهار وجود نکرده‌بود که شروع جنگ تحمیلی، مرحله‌ای نوین از مراحل ادبیات پایداری را به وجود آورد.

جنگ ایران و عراق یکی از پدیده‌های عظیم تاریخی قرن اخیر است؛ حادثه‌ای که همه ملت ایران با آن درگیر بوده‌اند. هشت سال دفاع مقدس که با فاصله زمانی کوتاه، پس از وقوع انقلاب اسلامی آغاز شد و با پذیرش قطعنامه در بیست و هفتم تیرماه ۱۳۶۷، توقف نسبی یافت، با خود جریان نیرومند فرهنگی در حوزه شعر، قصه، نمایش‌نامه، نقاشی، سینما و تئاتر به وجود آورد که ادبیات آن دوران را تشکیل می‌دهد.

بنابراین، ادبیات این دوران دچار تحولات بنیادین در محتوا گردید و در واقع تحولاتی که بر اثر انقلاب اسلامی در محتوای اشعار پدید آمده بود به تدریج تکامل یافت. از این

تحوّلات می‌توان به گره‌خوردگی با حادثه عظیم کربلای حسینی، برخورداری از پشتوانه ایمان به اسلام و گرایش به نمادهای مذهبی اشاره کرد. با دگرگونی تفکر، سبک شعری شاعران نیز تغییر یافت. از آنجا که جنگ و دفاع مقدّس با شهادت، ایثار و مقاومت عجین گشته‌است؛ «شعر این عصر شعر خشم و خروش و مقاومت است. آمیخته‌ای از عشق و عرفان و حماسه‌است.» (اکبری، ۱۳۷۱: ۱۹)

فصل آغازین شعر جنگ، با تشویق و تهییج رزمندگان به استقامت و فراهوانی مردم به جنگ همراه‌است؛ در حقیقت، شاعران آگاه و مسئولیت‌پذیر، نقش تبلیغاتی خود را به‌خوبی ایفا کرده و با شعرهای عموماً حماسی، روح دشمن‌ستیزی را در کالبد بی‌جان مردم دمیده‌اند. این اشعار که لحنی شعارگونه دارند، مضمونشان سراسر رجز است. رجزخوانی از آداب مسلّم جنگ است و در واقع، بخشی از تاکتیک رزمی جنگاوران برای درهم شکستن روحیه دشمن می‌باشد.

۱-۱- بیان مسئله

سرزمین ما، ایران، همیشه به علت موقعیت خاص جغرافیایی، موردتهاجم بیگانگان بوده‌است و دشمنان به آن چشم داشته‌اند. دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دوره حماسی خاص و ویژه‌ای از ادوار تاریخی کشور ماست که ادبیات خاص خود را دارد. شعر دفاع مقدّس که از آغاز جنگ تحمیلی پا به عرصه وجود نهاد به تصویر و توصیف حماسه آفرینی‌ها، از خودگذشتگی‌ها، جانبازی‌ها و ایستادگی‌های بی‌نظیر رزمندگان راه حق در جبهه‌ها می‌پردازد؛ بنابراین، قسمت عظیمی از این اشعار محتوا و مضمونی رجزگونه دارند. این ابیات، لحنی کوبنده و حماسی داشته و از واژگانی تحرّک‌آمیز برخوردارند و به جهت الفاظ، مضامین، مقاصد و کاربردها اهمیت دارند. نویسندگان این مقاله در نظر دارند با اشاره به پیشینه این فن در آثار حماسی به پرسش‌های ذیل پاسخ دهند.

۱- جایگاه رجز در شعر دفاع مقدّس چیست؟

۲- مقاصد و کارکردهای رجز در شعر دفاع مقدّس چیست؟

- ۳- ویژگی‌های سبکی رجزهای دفاع مقدّس چیست؟
- ۴- مضمون رجز در اشعار دوران جنگ و پس از اتمام آن چه تفاوتی دارد؟
- ۵- اهداف کاربرد رجز در شعر دفاع مقدّس چه بوده است؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

با وجود اینکه حماسه و حماسه‌سرایی و به تبع آن رجزخوانی از ابتدایی‌ترین گونه‌های شعری است و در ملل مختلف و اشعار فارسی پیش از اسلام و دوره باستان رواج داشته، تا جایی که جست‌وجو شد، تاکنون هیچ مقاله‌ای در خصوص بررسی رجز در شعر دفاع مقدّس نوشته نشده است؛ غلامرضا رحمدل پایان‌نامه‌ای با عنوان «رجزهای یورشی عاشورایی» در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه گیلان نوشته و کتابیون مرادی مقاله‌ای با عنوان «کارکرد رجز و رجزخوانی در شاهنامه و گرشاسپ نامه» در مجله «ادب و عرفان» منتشر کرده است که ارتباط مستقیم با این موضوع ندارد.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

ادبیات حماسی ایران از گذشته تا امروز، گواه این مدعاست که قسمت اعظمی از اشعار زیبا، دلکش و نغز فارسی با مضمون حماسه سروده شده‌اند. این حماسه‌ها برای پاسداشت قهرمانان ملی - مذهبی و حفظ یاد و خاطره آنها و در جهت تکریم آنان و مفاخره به چنین شخصیت‌هایی سروده شده‌اند. قسمت قابل توجهی از ادبیات حماسی را رجزها تشکیل داده‌اند. این ابیات از نظر ظرافت، لطافت، آرایه‌های ادبی، صناعات بدیعی، مفاهیم و مضامین درواقع، مهم‌ترین قسمت اشعار حماسی را از لحاظ مضمون، محتوا و ساختار تشکیل می‌دهند و دارای برجستگی‌هایی در لفظ و معنا هستند که قابل تأمل می‌باشد. رجزها در شعر دفاع مقدّس دارای ویژگی‌های سبکی خاصی بوده و با توجه به این موضوع که از نظر روان‌شناسی نیز در روحیه قهرمانان و دشمنان آنها تأثیرگذار هستند، حائز اهمیت می‌باشند. از آنجاکه تاکنون تحقیقی جامع در خصوص بررسی رجز در شعر دفاع مقدّس صورت نگرفته است؛ ضروری به نظر می‌رسد به این موضوع پرداخته شود.

۲- بحث

۲-۱- معنای لغوی و اصطلاحی رجز

رجز در لغت عرب به معنای حقیقی برای دو منظور به کار رفته است: ۱- تحرک و جابجایی شتر. ۲- نامی برای نوعی شعر که در حقیقت از همان تحرک و جابجایی اخذ شده است.

در کتاب العین آمده است: «أصل الرجز في اللغة، تتابع الحركات و من ذلك قولهم ناقة رجزاء إذا كانت قوائمها ترتعد عند قيامها.» (فراهیدی، ۱۳۶۷: ذیل واژه)

(اصل رجز در لغت، متابعت حرکات است و به همین خاطر در سخن عرب‌ها آمده که شتری، رجز خوانده می‌شود که هنگام برخاستن، پاهایش لرزان باشد.) رجز، اصطلاحاً در فن عروض شعری به نوع خاصی از شعر گفته می‌شود که در آن وزن مستفعلن، شش بار تکرار می‌شود و به بحر رجز معروف است. (ملعوف، ۱۳۷۹: ذیل واژه) این واژه در لغت‌نامه‌های فارسی به دو معنا آمده است: در لغت‌نامه دهخدا به نقل از دیگر فرهنگ‌ها چنین آمده است: «رجز: بحری از بحور شعر. رجز گفتن: شعر کوتاه گفتن، ... رجز خوانی: دعوی و غالباً لاف.» (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل رجز) در فرهنگ فارسی معین، رجز این گونه معنی شده است: «شعری که به هنگام جنگ برای مفاخرت خوانند، ارجوزه.» (معین، ۱۳۷۱: ذیل واژه) با این تعریف، مفاخراتی که در غیر از میدان نبرد بر زبان رانده می‌شود از تعریف رجز جدا می‌شود. سرزنش‌هایی که در غیر از میدان نبرد بر زبان رانده می‌شود از تعریف رجز جدا می‌شود. در این پژوهش، مراد از آن شعری است که در نبردهای تن به تن، جنگجویان در میدان نبرد در مقام بیان فخر و شرافت خود و اظهار شجاعت و برتری نسبت به دشمن، می‌خوانند و یا اشعاری که شاعران پس از پیشرفت سلاح‌های جنگی و صورت گرفتن نبردهای جمعی و استفاده از ابزارآلات جنگی برای تقویت نیروی خودی و تضعیف دشمن سروده‌اند.

۲-۲- پیشینه رجز در ادبیات ایران

با دقت در حماسه‌های منظوم فارسی از عهد باستان و ادبیات پهلوی نظیر یادگار زریران، کارنامه اردشیر بابکان و پاره‌هایی از اوستا که جنبه حماسی دارند، درمی‌یابیم که رجز خوانی به عنوان عنصری کارآمد در تمام منظومه‌های حماسی کاربرد داشته‌است. در دوره‌های بعد نیز در انواع حماسه‌های ملی نظیر شاهنامه، گرشاسپ‌نامه، بانو گشسب‌نامه، بهمن‌نامه و ... و حماسه‌های مذهبی نظیر علی‌نامه، خاوران‌نامه، حمله حیدری و ... و حتی حماسه‌های تاریخی نظیر اسکندرنامه، غازان‌نامه و ... کاربرد چشمگیری داشته‌است.

رجز در اشعار حماسی دوران مشروطه و سال‌های مبارزه علیه رژیم پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان سلاحی مؤثر برای ایجاد انگیزه و دعوت به نبرد مورد استفاده قرار گرفته‌است.

این فن، دارای کارکرد و مقاصد متفاوت در منظومه‌های ملی، تاریخی و مذهبی است و برای نیل به اهداف متعدد از آن بهره برده می‌شود که بررسی آن موجب اطلاع کلام گشته و از اهداف این پژوهش نمی‌باشد.

مسلم است که رجزخوانی، جزء لاینفک اشعار حماسی بوده و در ادوار مختلف شعر فارسی کاربرد داشته‌است و در شعر دفاع مقدس نیز بسامد بالایی داشته‌است.

۲-۳- شعر دفاع مقدس

با آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ و حضور گسترده مردم شریف، مؤمن و متعهد کشور عزیزمان در صحنه‌های جنگ حق علیه باطل، شاعران متعهد انقلاب، تمام هنر و استعداد خود را برای به تصویر کشیدن لحظه‌های ناب این حماسه آفرینی‌ها به کار گرفتند و به توصیف صحنه‌هایی نظیر رویارویی با دشمن متجاوز، جانبازی‌ها، ایثارگری‌ها و شهادت‌طلبی‌های رزمندگان راه حق پرداختند. شاعران دفاع مقدس با احساس تعهد و اعتقاد به حقانیت ملت مسلمان ایران به سرودن اشعار خویش اقدام نموده‌اند؛ چون در بیان

عواطف و احساسات خویش مبنای اعتقادی محکم و روشنی داشته‌اند، شعر آنها یعنی شعر دفاع مقدس از بهترین نمونه‌های شعر فارسی شده‌است.

شعر دفاع مقدس به عنوان شعری ایدئولوژیک با ماهیتی ملی و مذهبی، جلوه‌گاهی گسترده برای ظهور و بروز استعدادهای نهفته و جوان کشورمان بود و این نسل مشتاق و پر انرژی را واداشت تا با تجربه‌اندوزی، خالق آثاری در قالب‌های گوناگون شعری باشند. با توجه به ویژگی‌هایی که برای شعر دفاع مقدس بیان گردید، می‌توان شعر دفاع مقدس را این‌گونه تعریف کرد: «مجموعه سروده‌هایی را که در قالب‌های گوناگون اعم از سنتی و نو، نیمایی و سپید شکل گرفته‌اند و درون‌مایه اصلی آنها تشویق و تکریم «دوست» و تحقیر و تهدید «دشمن» و تقویت روحیه مذهبی - ملی برای حفظ وطن و انقلاب است، شعر دفاع مقدس می‌نامیم. این شعر به لحاظ زمانی حد فاصل شروع تجاوز دشمن تا روز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را دربرمی‌گیرد.» (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۳)

شاعران این عصر با تلاشی صادقانه شعری زیبا، دلنشین، پرشور و مؤثر را که ریشه در ایمان و اعتقادات ژرف آنان داشت و برخاسته از فرهنگ غنی ایرانی اسلامی بود به وجود آوردند که تأثیری شگرف در عرصه شعر و هنر این سرزمین برجای گذاشت.

۲-۴- اغراض رجز در شعر دفاع مقدس

نخستین هدف شاعران دفاع مقدس، ترغیب به نبرد و ایجاد انگیزه برای پایداری در برابر دشمن در بین رزمندگان بوده‌است؛ بنابراین، نخستین مضمون و جان‌مایه شعر دفاع مقدس، بخصوص در هشت ساله دفاع مقدس، رجز و حماسه‌است. شاعران با الهام از به حماسه‌های ملی، مذهبی و تاریخی و تأسی به آنها مضامین حماسی و رجزگونه می‌سرایند. برخی از اغراض و مقاصد رجز دفاع مقدس؛ مانند حماسه‌های ملی، تفاخر به ملیت، نژاد، شجاعت و برخی دیگر؛ مانند حماسه‌های مذهبی، تفاخر به مذهب، رهبری، مرگ سرافرازانه در راه دفاع از عقاید و برخی اغراض مشترک میان حماسه‌های ملی و مذهبی نظیر تقویت نیروی خودی، تضعیف دشمن، نکوهش و تحقیر دشمن می‌باشد. مفاهیم

رجزهای شعر دفاع مقدس، بیشتر با تکیه بر عناصر عاشورایی و وطنی و مهم‌تر از همه تکیه بر دین و قرآن و اخلاق بیان گردیده‌است که محور اصلی این رجزها را شکل می‌دهد.

۲-۴-۱- تشویق و ترغیب به نبرد

بیشترین رجزهای دفاع مقدس، جهت تشویق و ترغیب هموطنان برای حضور در جبهه‌ها و نبرد با دشمن متجاوز سروده شده‌اند و این نخستین مضمونی است که در سرایش شعر دفاع مقدس مورد توجه بوده‌است. از نمونه‌های رجز به قصد ترغیب به نبرد، ابیات ذیل می‌باشند.

پنجه مرگ چه بی‌رحم و گریبان‌گیر است آه‌ای قوم! بجنید که فردا دیر است
 آب، آغشته به ننگ است، مبادا بخورید سهم لب‌ها همه سنگ است مبادا بخورید
 وقت تنگ است محسبید، ز جا برخیزید گاه جنگ است، محسبید، ز جا برخیزید
 (علایی، ۱۳۸۷: ۳۶)

ژاله اصفهانی، این مضمون را در ابیات زیر سروده‌است.

ای اسیران! به پا خیزید ای ستم‌دیدگان قیام کنید
 روز پیکار بی‌امان، خود را حاضر از بهر، انتقام کنید
 حق خود را ز غاصبان گیرید خانه خویش را کنید آباد

(اصفهانی، ۱۳۸۴: ۶۵۶)

نگاه حماسی به مرگ و استقبال از شهادت همراه با روح وارستگی از دنیا در سروده «مشهد نام آوران» از سبزواری، موج می‌زند او این‌گونه، مردم را به مبارزه تشویق می‌نماید:

تیغ برآید، تیغ، فرصت گفتار نیست موسم رزم است رزم، وقت دگر کار نیست
 مرگ که در بستر است، مردن بی‌زیور است مشهد نام آوران، بستر بیمار نیست
 (سبزواری، ۱۳۶۸: ۶۷)

نمونه دیگر رجز به قصد ترغیب به نبرد، ابیات زیر از غلامرضا مرادی است.

هنوز راه همان است و مرد بسیار است
صدای پای سواران صبح می آید
چه می نشینی؟ آن دشنه تیز برکش
خبر دهید که اهل نبرد بسیار است
مگر ندیدی؟ در جاده گرد بسیار است
شتاب کن! نفس هرزه گرد بسیار است
(بیگی حبیب آبادی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۱۰۸۵)

بیا که ملک جنون مرز بی کرانه ماست
به روز حادثه، آن سهمگین سوارانیم
سرود فتح بخوانید زان که پیک خطر
گذشت نوبت مجنون، زمان زمانه ماست
که توسنی چو فلک، رام تازیانه ماست
ز گرد راه در آمد در آستانه ماست
که خط لوح بقا، نقش جاودانه ماست
(شاهرخی، ۱۳۷۶: ۱۵۳)

در رزمگاه ایمان با اسب خون بتازند
گلگونه شهیدان با خون گل بشوید
هابیلیان کجائید؟ قایل دیگر آمد
تا وادی شهادت این قوم سربداران
تا سرخ تر نماید رخسار روزگاران
ننگ است، جان سپردن در دخمه تاران
(مردانی، ۱۳۷۰: ۲۵)

۲-۴-۲- دعوت به مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن

رجزخوانی در برابر مهاجم، گاه با موضوع ایستادگی و مقاومت تا محو متجاوز مطرح می شود و تأکید می گردد که پایداری در برابر دشمن متجاوز، باید همه جانبه باشد. در این راه، یک ملت از تمام امکانات فیزیکی، اعتقادی و تاریخی خود در راه دفاع در برابر متجاوز، یاری می طلبد.

ما ز جمع تیغ و آتش زاده ایم
ما همان ایلیم، ایل سربدار
سینه پر آهیم، اما آهنییم
ما تقاص عشق را پس داده ایم
ما همان قومیم، قوم مرگ خوار
نسل یوسف های بی پیراهنییم

ما از این بحریم، پاروها کجاست؟
این سنان! پس نوشداروها کجاست؟
(سنگری، ۱۳۸۰: ۱۲۰)

ای خصم مرا سر، سر جنگ است هنوز
در چله خشم من خدنگ است هنوز

- در ترکش اگر نمانده باشد تیری زنه‌ار! مرا ناخن و چنگ است هنوز
(امین پور، ۱۳۶۳: ۵۶)
- در معرکه پای پایداری بگذار پا در گذر حادثه باری بگذار
هان! تیغ بکش برون و در سینه خصم این تحفه به رسم یادگاری بگذار
(باقری، ۱۳۶۳: ۲۰۹)
- در خون باید وضو نمایی چون تیغ از شاهد فتح روگشایی چون تیغ
ای مرد! سپید رویی‌ات را شرط است کز معرکه، سرخ رو برآیی چون تیغ
(عبدالملکیان، ۱۳۶۵: ۱۲۰)
- خدا یار مردان درد آشناست که جان‌هایشان با نبرد آشناست
گذشتند از هشت خان بلا شد از خونشان دشت‌ها کربلا
(بختیاری، ۱۳۷۰: ۴۵)
- در ابیات فوق، شاعر با پیوند زدن عصر حاضر با دوران امام حسین (ع) و برحق دانستن نیروی خودی، هم وطنان را به نبرد جهت حفظ انقلاب و ارزش‌های آن فرا می‌خواند.

۲-۴-۲-۱- طرح افتخارات گذشته

یکی از روش‌های برانگیختن شور مقاومت و پایداری، یادکرد دلاوری‌ها و جانفشانی‌های نیاکان در مبارزات گذشته است. مجاهدت نسل‌هایی که این سرزمین را در مقابل بیگانگان حفظ کردند، تکیه‌گاه شاعران و نویسندگان برای تشویق و تحریض به پاسداری از سرزمین و ارزش‌هاست.

سید حسن حسینی ایستادگی‌های امروز را ادامه ایستادگی‌های گذشته می‌داند:

- ما مرغ سحر خوان شگفت آواییم خونین پر و بالیم و شفق سیماییم
در معبر تاریخ چه کوهی بشکوه صدمبار شکسته‌ایم و پابرجاییم
(سنگری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۷۲)
- ای همچو سربداران در رزم با تاران جانانه زنده کردی آیین سربداری

رنگین کمان خونت خطی کشیده گلگون از شام تن پرستی تا صبح جان نثاری
(حسینی، ۱۳۶۳: ۲۷)

این مضمون در شعر زیر از مردانی نیز مشهود است.

ما به نیروی یقین لشکر آهن شکنیم به چه اندیشه در این کشور خون آمده خصم
شیشه عمر تو ای دیو بد آیین زمان ما به سرینجه ایمان، چو تهمتن شکنیم
(مردانی، ۱۳۷۰: ۸۳)

۲-۲-۴-۲- سرزنش غافلان

یکی دیگر از روش‌های تحریض به مقاومت و دفاع، طعنه زدن و کنایه زدن در سخن گفتن با کسانی است که از دور دستی بر آتش دارند.

«وقتی که روشنفکر/در کوچه‌های شهر پر آشوب/دور از هیاهوها عرق می خورد/تاریخ
این ملت/با خون حزب الله/ورق می خورد»
(کاکایی، ۱۳۸۰: ۱۱۷۱)

برایتان چه بگویم به سنگ می مانید اگر جرس بنوازند، لنگ می مانید
برایتان چه بگویم که درد بسیار است نبود و بیهوده گفتند، مرد بسیار است
شبی که عشق بیاید، غریب خواهد ماند ز پایمردی تان بی نصیب خواهد ماند
(بختیاری، ۱۳۷۱: ۷۷)

گاه این طعنه‌ها در وجهی دیگر به سرزنش خویش می پردازد که غفلت نموده و از راه شهدا و رزمندگان، بازمانده است. هر چند در بیشتر این اشعار، مراد از خود شاعر، همان من اجتماعی است.

تو مگر آهنی ای دل! که چنین سخت شدی؟! دامن خاک گرفتی و سیه بخت شدی
ای شهیدان! منم و داغ شما، می دانید؟ سوزنی های نیستان مرا می دانید؟

(سنگری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۵۷)

گاه پس از اتمام جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، شاعر با دیدن دگرگونی‌های اجتماعی و کم‌رنگ شدن ارزش‌ها، تأسف می خورد و در واقع، به نوعی برای مقاومت در برابر آنچه انسان را از ارزش‌های معنوی دور می سازد، ایجاد انگیزه می نماید.

زمانی افتخار دست هامان زخم و تاول بود
 زمانی آن چنان خندان به سوی شعله می رفتیم
 زمانی مشکل اندوهمان با گریه‌ای حل بود
 که آتش هم در این شور اهورایی معطل بود
 (همان: ۶۵)

مبادایمان خون عشاق پایمال گردد
 مبادا که در بال‌ها شوق پرواز میرد
 مبادا که این حرف‌ها قیل و هم قال گردد
 مبادا سکوت آید و جای آواز گیرد
 مبادا پی صحبت عشق، اما نشیند
 مبادا که من آید و در ره ما نشیند
 (ترابی، ۱۳۸۴: ۳۱۶)

بیا به آینه، قرآن به آب برگردیم
 بیا به اسب، حماسه، رکاب برگردیم
 به دست‌های پر از پینه سفره‌های تهی
 به حرف اول این انقلاب برگردیم

(محدثی، ۱۳۷۵: ۳۵)

در برخی از اشعار، این شکوه و گلابه، با پند و اندرز همراه می‌گردد و شاعر، دیگران را تذکر می‌دهد که قدر موقعیت را بدانند.

ما به این گردنه آسان نرسیدیم، ای قوم
 زخم برشانه و بر سینه دویدیم، ای قوم
 هر قدم پاره‌ای از پیکر ما جا مانده‌است
 دست و پا و سر هم سنگر ما جا مانده‌است
 (کاظمی، ۱۳۷۱: ۴۲)

تیغ در دست به امید تقاص آمده‌ام
 این که از شیعه به جز نام ندانیم، بد است
 هر که در عین بلا شیعه بماند، مرد است
 مردم این خواب حرام است هلا برخیزید!
 کوفیان! جان علی بهر قصاص آمده‌ام
 و نمک گیر چنین لقمه بمانیم، بد است
 هر که یک موی بلغزد به علی، نامرد است
 جاده پیداست به جان شهدا، برخیزید
 و بگویند که ما ائت پیمان شکنیم
 و بگویند که ما ائت پیمان شکنیم

(سنگری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۲۶)

۲-۴-۳- ارباب دشمن و ایجاد ترس در او

سنت رجزخوانی برای ایجاد نوعی هراس در دشمن در ادبیات گذشته ریشه دارد. در ادبیات دفاع مقدس نیز رجزهای فراوان می‌توان یافت که به انگیزه ایجاد هراس در دشمن

سروده شده‌اند و در حقیقت نوعی جنگ روانی پیش از جنگ و نبرد فیزیکی می‌باشند. این منظور به چند طریق صورت گرفته است؛ از قبیل تهدید دشمن به شکست، تحقیر و سرزنش دشمن به علل مختلف، چون: پستی نژاد، شکست‌های گذشته، پستی مذهب و ...

۲-۴-۳-۱- تحقیر دشمن

در شعر پایداری، تحقیر و حتی تمسخر و استهزای دشمن در کنار برکشیدن و تعظیم خویش، بخشی از حماسی‌ترین و بشکوه‌ترین آثار را تشکیل می‌دهد. حسین اسرافیلی در بخشی از چارپاره خویش که در کتاب نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس آمده، می‌گوید:

هان برادر! سوار باره عشق پاسدار شکوه جنگل و آب
بوی گرگ و شغال در دشت است جنگل زخم‌دیده را دریاب

(سنگری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۹۱)

که «گرگ» و «شغال» در آن، استعاره از دشمن است و در واقع به استهزای دشمن پرداخته است. نمونه دیگر، شعر خرمشهر از علی موسوی گرمارودی است که سیدحسن حسینی در گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، آورده است. در این شعر «کفتار پلید» استعاره از دشمن و «نو غزال» استعاره برای نوجوان بسیجی است.

یکی زشت کفتار پیر پلید همی خواست تا نو غزالی درید
نشانی‌مش اینک، مر او را به جای به تیپای خشم و به دست خدای

(حسینی، ۱۳۸۱: ۱۰۵)

۲-۴-۳-۲- تهدید دشمن

ترفند دیگری که برای ایجاد ترس در دشمن به کار گرفته می‌شود، تهدید وی است که باعث عدم اعتماد به نفس او گشته و در واقع در جنگی روانی مغلوب می‌گردد:

بعد از این بالب شمشیر سخن خواهد بود جامه‌ام تا شب معراج کفن خواهد بود
باخدا صحبت اگر در دلجشب خواهم کرد در مناجات خودم تیغ طلب خواهم کرد

(سنگری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۱۴)

گویید ز ما صلیب «صهیون» را با خون شویند مسلمین خون را
و این آتش‌ها ز گور آمریکاست کاو سوخت تمام ربع مسکون را
(کافی، ۱۳۸۹: ۱۵۵)

۲-۴-۴- تقویت نیروی خودی

رجزخوانی برای سپاهیان خودی جهت تقویت روحیه آنان یکی از شگردهای جنگ نرم است. برای این منظور به ستایش پهلوانان خودی، ذکر پیروزی‌های گذشته، بیان شجاعت و دلیری مبارزان و نوید پیروزی دادن، می‌پردازند.

۲-۴-۴-۱- ستایش پهلوانان خودی

مباد هیچ شما را هراس از پیکار اگر چه بارد چون ژاله، ناوک و پیکان
مباد هیچ شما را گزند از دشمن که همچو بحر سترگید و همچو کوه گران
(سبزواری، ۱۳۶۷: ۴۲)

با آن که گلوله‌اش تنم را بوسید خون زد شتک و پیرهنم را بوسید
آن‌قدر گلوله بر تن خصم زدم تا خم شد و خاک وطنم را بوسید
(حسینی، ۱۳۸۱: ۹۰)

۲-۴-۴-۲- امید به پیروزی

در رجزهای دفاع مقدس، با امتزاج الگوهای ملی - مذهبی و تلمیح به آیات و روایات به رزمندگان سلحشور و ملت مقاوم و صبور وعده پیروزی می‌دهند. گاه این وعده‌ها با انتظار موعود در هم می‌آمیزند و گاه با اشاره به امداد غیبی رزمندگان، امید به پیروزی را در دل‌ها ریشه می‌دوانند. در ابیات زیر که سوگ سروده‌ای است، امید به آینده را می‌توان مشاهده کرد.

از دشمنان مردم و از جانیان پست روزی رسد که خلق کشد انتقام‌ها
این دست‌های خسته درآید، ز آستین و آن دشنه‌های تشنه به خون از نیام‌ها
ای پیر زن که تازه جوان تو، کشته شد دیدی بلند نامش در بین نام‌ها
هر جا که می‌رسیم، چو امروز می‌دهیم ای کشته، ای شهید به روح‌ت سلام‌ها

(کافی، ۱۳۸۹: ۳۶)

تا منزل عشق، کربلا، راهی نیست بگذار خشاب، بار دیگر به تفنگ

(تراپی، ۱۳۸۴: ۲۹۵)

۲-۴-۵-مفاخره

یکی از مضامین عمده رجز در حماسه‌های ملی - مذهبی مفاخره است؛ هرچند، رجزهایی که با مضمون مفاخره سروده شده است، هدف و کاربرد آنان، تقویت نیروی خودی یا تضعیف دشمن است، چون مظاهر مفاخره متفاوت است، این رجزها را به طور مستقل بررسی می‌کنیم.

۲-۴-۵-۱-تفاخر به شجاعت و دلیری

تیغیم که در فراز، رعب‌انگیزیم هنگام فرود، خون دشمن ریزیم
بی‌پشت بود جوشن ما وقت نبرد یعنی که نیامدیم تا بگریزیم

(حسینی، ۱۳۶۳: ۸۹)

موجیم و وصل ما از خود بریدن است ساحل بهانه‌ای است، رفتن رسیدن است
تا شعله در سریم، پروانه اخگریم شمعیم و اشک ما در خون چکیدن است

ما مرغ بی‌پریم از فوج دیگریم پرواز بال ما در خون تپیدن است
(امین پور، ۱۳۷۲: ۱۴۹)

۲-۴-۵-۲-تفاخر به پیروزی‌های گذشته

یاد احد، یاد بزرگی‌ها که کردیم آن پهلوانی‌ها، سترگی‌ها که کردیم
شب‌گیر ما در روز خیر، یاد بادا مهر خدا در خشم حیدر، یاد بادا

(تراپی، ۱۳۸۴: ۱۹۶)

در معرکه‌ها جنون گرفتیم، چو تیغ صد بار وضو به خون گرفتیم، چو تیغ
هنگامه طوفان خطر، صاعقه‌وار جان از تن خصم دون گرفتیم، چو تیغ

(حسینی، ۱۳۸۱: ۸۹)

۲-۴-۳- تفاخر به مذهب

یکی از نمودهای تفاخر در رجزهای دفاع مقدّس، تفاخر به مذهب، عقاید و باور- داشت‌هاست. در این رجزها از نمادهای مذهبی بهره برده‌شده و دلاوران ایرانی به شخصیت‌های مذهبی که مقتدای آنان هستند، تفاخر نموده‌اند.

در ابیات ذیل، تفاخر به دنباله‌روی و پیروی از حسین (ع) و برحق بودن، مضمون اصلی رجز است.

چو شیراز پی رزم آماده‌ایم	ندانی که ما جمله آزاده‌ایم؟
گواش همین خاک گلگون ماست	نگهبان این سرزمین خون ماست
کجا می‌نهد، سرب‌به‌حکم یزید؟	هر آن کو که راه حسینی گزید

(شاهرخی، ۱۳۶۷: ۲۳۵)

نشستن در مرام ما بود ننگ	میان برسته‌ایم، آماده جنگ
زمین و آسمان با هم بسازند	هزاران دیو و شیطان گرتازند
شهادت، عشق، نصرت باور ماست	چو دست قدرت او یاور ماست

(وسمقی، ۱۳۶۸: ۸۳)

در خلال این رجزها، فخرفروشی به داشتن رهبری مذهبی و تأکید به پیروی از او نیز مشهود است.

خروش روح خدا را به گوش دل شنویم	هلا به گوش خدایی خروش دل شنویم
به شطّ خون، تن خود را به غسل بسپاریم	رقم زنیم جنون را که وارث داریم
به یک کرشمه، دو صد حيله را بدل بزیم	ز بام قلعه شیطان، صدای هل بزیم

(تراپی، ۱۳۸۴: ۲۹۲)

۲-۴-۶- تسلیت سوگ‌ها و فراق‌ها

گاه مضمون رجزهای دفاع مقدّس، واگویه با شهیدان و اظهار ندامت و حسرت به علّت جا ماندن از قافله آنان است و در عین حال تأکید بر ایستادگی در راه آنان و دنباله روی از اهدافشان می‌نماید.

چقدر تجربه کردم، غم نیامدنت را به روی سینه فشردم، حضور پیرهننت را

دریغ، هیچ نمانده‌ست تا به خاک سپارم
 در این سیاهی ممتد خدا کند که سپیده
 چه آرزو که ببوسم چو آمدی بدنت را؟
 به گوش شب برساند غریو شب‌شکنت را
 که تا ابد نفروشم به عالمی و طنت را
 (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۴۸)

به یاد آنکه پرستو وار شکست بال و پرش را باد
 تو را بین که چه زیبایی در آن سپیده طوسی رنگ
 همیشه ابری و طوفانی ست، هوای این دل دریایی
 مرا بین که چه دل‌تنگم در این غروب تماشایی
 که سرخ کرده بیابان را، هزار لاله صحرایی
 در انتظار تو می‌مانم، کنار ساحل تنهایی
 تو ای مسافر دریا، بدان که تا تیشی باقی است
 (همان: ۵۱)

۲-۴-۷- تأکید بر آزادگی و نبرد تا سرحد شهادت

زیر باران نیزه‌های بلند
 راست اما چنانکه باید، ماند
 گشت شولای زخم، تن پوشم
 علم آفتاب بر دوشم
 (همان: ۲۹۶)

به نام عشق با خون می‌نگاریم
 هزاران بار اگر از پا درآییم
 که با ناحق، سر پیکار داریم
 بپاخیزیم و سوی راه گراییم
 (وسمقی، ۱۳۶۸: ۸۳)

۲-۴-۸- پیروزی نهایی حق بر باطل و کینه خواهی مظلومان از ظالمان

در ادب پایداری ملت‌ها، موضوع انتقام و تهدید متداول است؛ در ادب دفاع مقدّس نیز
 به این پدیده به‌عنوان امری محتوم و قطعی نگریسته شده است. «شاعران دفاع مقدّس
 رویارویی هاییل و قابیل و کینه‌کشی فرزندان هاییل را بر طبق پاره‌ای از نصوص اعتقادی
 خود حتمی می‌دانند.» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۹۷)

پیش از آنی که شب اوّل ما سر گردد
 خطر و تیغ برازنده نامردان نیست
 هرکسی اهل خطر نیست، بگو بر گردد
 غیرت طایفه زینده نامردان نیست
 باز خونخواهی هاییل به ما وابسته است
 آبرومندی این ایل به ما وابسته است
 (ترابی، ۱۳۸۴: ۱۹۸)

۳- نتیجه گیری

سرزمین ایران، همواره سرزمین حماسه، دلیری و شجاعت بوده است. حماسه‌های ملی - مذهبی فراوان در اعصار گذشته و حال در خصوص تکریم قهرمانان ملی و مذهبی به نظم در آمده و پهلوانی‌ها، رشادت‌ها، آرمان‌ها و خواست‌های ایرانیان را بیان کرده‌اند.

حماسه، داستانی روایی است و در روایت، آنچه به نظم و انسجام داستان کمک بسزایی می‌کند، گفت‌وگوی بین شخصیت‌هاست. بخش اعظمی از این گفت‌وگوها را رجزخوانی و مفاخره تشکیل می‌دهد. رجز، اشعاری است که غالباً در میدان نبرد برای تضعیف روحیه دشمن و تقویت نیروی خودی خوانده می‌شده و در حماسه‌های ملی - مذهبی، مقاصد و کارکردهای متفاوت داشته است.

ادبیات پایداری و شعر دفاع مقدس به عنوان زیرمجموعه آن، شاخه‌ای از درخت تنومند ادبیات حماسی است که در هر روزگاری به شیوه خاصی نمود می‌یابد. اگرچه بین سروده‌های دوران دفاع مقدس و پس از جنگ که درون‌مایه مقاومت و پایداری دارند، با ادب حماسی کلاسیک تفاوت‌هایی وجود دارد؛ ولی، وجه اشتراک همه آنها ظلم‌ستیزی، مبارزه با استبداد داخلی، بیگانه‌ستیزی، عدالت‌خواهی و دعوت به استقامت در برابر دشمن است که در رجزها نمایان می‌باشد.

نتایج به دست آمده در این پژوهش عبارتند از

۱- رجز در شعر انقلاب و دفاع مقدس به جهت ترغیب و تهییج به جنگ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

۲- برخی از کارکردهای رجز در اشعار دفاع مقدس عبارتند از: الف- تشویق و تهییج نیروی خودی ب- ارباب دشمن (از طریق تهدید و تحقیر) ج- مفاخره (به مذهب، ملیت، شرافت، شجاعت و ...) د- دعوت به مبارزه و مقاومت ه- سوگ سروده‌ها (در تکریم شهیدان و تأکید بر ادامه راه آنان) و- تأکید بر دفاع از حق تا رسیدن به شهادت.

۳- برخی از مضامین رجزهای پس از پایان جنگ عبارتند از: الف- اعتراض (به دگرگونی ارزش‌ها و فراموشی شهدا) ب- تخدیر و تذکر، ج- سرزنش (غافلان، معاندان و تجمل‌گرایان)

۴- رجزها از لحاظ صلابت و استواری واژگان، جزء بهترین ابیات منظومه‌های حماسی هستند و دارای ویژگی‌های سبکی خاص در اشعار دفاع مقدّس می‌باشند.

۵- مضامین رجز در شعر دفاع مقدّس متنوع‌تر از حماسه‌های ملی- مذهبی اعصار گذشته است.

۶- رجزخوانی، نوعی ترفند و جنگ نرم روانی محسوب می‌شود که از لحاظ روحی در تقویت نیروی خودی و تضعیف دشمن تأثیرگذار است.

فهرست منابع

الف: کتاب‌ها

- ۱- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۵). *از صبا تا نیما* (۱۵۰ سال ادبیات ایران). ج ۲. تهران: زوار.
- ۲- اکبری، منوچهر. (۱۳۷۱). *نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی*. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۳- امین‌پور، قیصر. (۱۳۶۳). *در کوچه آفتاب*. تهران: حوزه هنری.
- ۴- (۱۳۷۲). *آیین‌های ناگهان*. تهران: شاعر.
- ۵- اصفهانی، ژاله. (۱۳۸۴). *مجموعه اشعار*. تهران: نگاه.
- ۶- الفراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۳۶۷ ه.ق). *العین*. بیروت: مؤسسه علمی المطبوعات.
- ۷- باقری، ساعد. (۱۳۶۳). *سوره، جنگ ششم*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات
- ۸- بختیاری، نادر. (۱۳۷۰). *هشت فصل عشق*. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس.
- ۹- بیگی حبیب‌آبادی، پرویز. (۱۳۸۶). *حماسه‌های همیشه*، ج ۲ و ۳. تهران: فرهنگ گستر.
- ۱۰- ترابی، ضیاء‌الدین. (۱۳۸۴). *شکوه شقایق*. (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدّس) قم: سماء قلم.
- ۱۱- حسینی، سید حسن. (۱۳۶۳). *هم صدا با حلق اسماعیل*. تهران: حوزه هنری.

- ۱۲-، (۱۳۸۱). **گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس**. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات.
- ۱۳- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). **لغت نامه**. تهران: مؤسسه لغت نامه.
- ۱۴- سبزواری، حمید. (۱۳۶۷). **دیوان اشعار**. (جلد اول سرود درد) تهران: کیهان.
- ۱۵-، (۱۳۶۸). **سرود سپید**. تهران: کیهان.
- ۱۶- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). **نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس**، ج ۳. تهران: پالیزان.
- ۱۷- شاهرخی، محمود. (۱۳۶۷). **مجموعه شعر جنگ به همراهی مشفق کاشانی**. تهران: امیرکبیر.
- ۱۸-، (۱۳۷۶). **تجلی عشق**. تهران: سرداران شهید
- ۱۹- عبدالملکیان، محمدرضا. (۱۳۶۵). **رباعی امروز**. تهران: حوزه هنری.
- ۲۰- علایی، سعید. (۱۳۸۷). **جریان شناسی شعر انقلاب اسلامی**. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۱- کاظمی، محمدکاظم. (۱۳۷۱). **صبح در زنجیر**. (جنگ شعر افغانستان)، تهران: حوزه هنری.
- ۲۲- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۹). **شناخت ادبیات انقلاب اسلامی**. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۲۳- کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۷۶). **نگاهی بر شعر معاصر ایران**. تهران: عروج.
- ۲۴-، (۱۳۸۰). **بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان**. تهران: پالیزان.
- ۲۵- محدثی، مصطفی. (۱۳۷۵). **هزار مرتبه خورشید**. تهران: برگ
- ۲۶- مردانی، نصرالله. (۱۳۷۰). **خون نامه خاک**. تهران: کیهان.
- ۲۷- معین، محمد. (۱۳۷۱). **فرهنگ فارسی**. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- ۲۸- ملعوف، لوئیس. (۱۳۷۹). **المنجد فی اللغة**. فرمان اسلام.
- ۲۹- وسمقی، صدیقه. (۱۳۶۸). **نماز باران**. تهران: امیرکبیر.

ب: مقاله

- ۱- کافی، غلامرضا. «ویژگی‌های سبکی منظومه‌های دفاع مقدس». ادبیات و زبان‌ها، ادبیات پایداری. سال سوم. پاییز ۹۰ و بهار ۹۱. شماره ۵ و ۶. صص ۳۶۳-۳۸۴.